

پژوهش در تاریخ، سال نهم، شماره ۲۵ و ۲۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

## فهم، نگارش و شرح تاریخ اروپا: لئوپلد فن رانکه و بسط و فهم وی از تاریخ‌نگاری مدرن<sup>۱</sup>

آندره‌آس بولت<sup>۲</sup>

ترجمه امیر علی‌نیا<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۸

سده‌های متوالی است که مورخان به دنبال یافتن روش‌هایی برای ارائه تاریخ بوده‌اند. از آن زمان تاکنون، پژوهشگران کوشیده‌اند تا به چگونگی فهم، شرح و توصیف تاریخ بپردازند. در دهه‌های اخیر، این موضوع پیچیده‌تر شده است، زیرا موضوعات تاریخی متنوع مورد مطالعه نه تنها در حوزه‌های تخصصی، بلکه در زمینه استفاده از منابع و شیوه ارائه تاریخ به صورت نوشتاری یا برنامه‌های تلویزیونی گسترش یافته است. بسط این حوزه‌ها می‌تواند شیوه دستیابی به پژوهش عالمانه را دشوارتر سازد. برای بررسی این موضوع، من برای نمونه رانکه را برگزیده‌ام که روش‌های وی، فهم تاریخی آکادمیک را در سده نوزدهم تغییر داد و هنوز نیز تأثیرگذاری آن تداوم یافته است. هدف من در این مقاله تحلیل تأثیرات وی خواهد بود؛ اما رانکه که بود؟

لئوپلد فن رانکه<sup>۴</sup> مورخ آلمانی در سال ۱۷۹۵ در آلمان به دنیا آمد (Iggers and Powell, 1990). نخستین اثر مهم وی، کتاب تاریخ ملل لاتین و تونونی ۱۵۳۵-۱۴۹۴<sup>۵</sup> در اواخر سال

---

۱. این مقاله ترجمه‌ای است از:

Boldt, A. n. d, 2007, "Perception, Depiction and Description of European History: Leopold von Ranke and his Development and Understanding of Modern Historical Writing", *Historical Perspectives*, [http://www.gla.ac.uk/media\\_64280\\_en.pdf](http://www.gla.ac.uk/media_64280_en.pdf).

2. Andreas Boldt, National University of Ireland, Maynooth.

۳. دکتری تخصصی تاریخ، دانشگاه خوارزمی، [alinia814@gmail.com](mailto:alinia814@gmail.com).

4. Leopold von Ranke

5. *Geschichten der romanischen und germanischen Völker von 1494 bis 1535*

۱۸۲۴ میلادی منتشر شد. این اثر مبتنی بر پژوهش‌های اسنادی بود که رانکه آن را به‌عنوان بنیان پژوهش‌های خویش در نظر می‌گرفت. انتشار این کتاب باعث شهرت رانکه به‌عنوان یک مورخ شد. تأثیرگذارترین بخش کتاب، ضمیمه آن بود که پژوهش‌های پیشین را براساس تحلیل انتقادی منابع ارزیابی کرده بود؛ به باور رانکه، شیوه تاریخ‌نویسی محققانه این‌گونه بود. در مقدمه این کتاب، گفته مشهور رانکه آمده است؛ اینکه وی در پی نگارش تاریخی بود «همان-طور که واقعاً رخ داده است».<sup>۱</sup> انتشار این کتاب مهم، تصدی استاد تاریخ در دانشگاه برلین را برای رانکه در پی داشت. رانکه در اواخر سال ۱۸۲۷ میلادی به خارج از کشور سفر کرد و بیش از سه سال در آنجا اقامت گزید. او در این مدت به پژوهش در وین، فلورانس، روم و ونیز پرداخت. وی با ارتباطات شخصی‌ای که داشت، توانست از آرشیهایی که قبلاً تعطیل شده بودند، استفاده کند. سال‌ها بعد، رانکه آثاری در زمینه تاریخ کشورهای مدیترانه و آلمان منتشر کرد. از جمله این آثار قابل‌توجه می‌توان به توطئه برضد ونیز<sup>۲</sup> (۱۸۳۱)، تاریخ پاپ‌ها<sup>۳</sup> (۱۸۳۶)، تاریخ اصلاحات مذهبی در آلمان<sup>۴</sup> (۱۸۳۹-۱۸۴۷) و تاریخ پروس (۱۸۴۸-۱۸۴۷) اشاره کرد (Iggers and Powell, 1990).

رانکه نخستین نسل مورخان حرفه‌ای مدرن از جمله گئورگ وایتس<sup>۵</sup> و یاکوب بورکهارت<sup>۶</sup> را در برلین تربیت کرد. وی الهام‌بخش ماکسیمیلیان دوم<sup>۷</sup> پادشاه باواریا در تأسیس کمیسیون تاریخی در آکادمی علوم باواریا بود و در سال ۱۸۵۸ میلادی به ریاست آن گماشته شد. رانکه در سال‌های بعد، تواریخ ملی را برای هر یک از دولت‌های مهم اروپایی نگاشت. از جمله این تواریخ می‌توان به تاریخ فرانسه<sup>۸</sup> (۱۸۶۱-۱۸۵۲)، تاریخ انگلستان<sup>۹</sup> (۱۸۶۸-۱۸۵۹) و قدرت‌های آلمانی و اتحادیه شاهزادگان (۱۸۷۱) اشاره کرد. در پی تداوم شهرت رانکه، افتخارات فراوانی نصیب وی شد. از جمله اینکه رانکه به طبقه اشراف پیوست و واژه «فون»<sup>۱۰</sup> به نام

1. Wie es eigentlich gewesen
2. Ueber die Verschwörung gegen Venedig
3. Die Römischen Päpste
4. Deutsche Geschichte im Zeitalter der Reformation
5. George Waitz
6. Jakob Burckhardt
7. Maximilian II
8. Französische Geschichte
9. Englische Geschichte
10. Von

خانوادگی وی اضافه شد و در سال ۱۸۸۵ میلادی به عنوان شهروند افتخاری برلین انتخاب گردید. با بازنشستگی رانکه از کرسی تدریس در دانشگاه برلین، زندگی دانشگاهی او در سال ۱۸۷۱ میلادی پایان یافت. با وجود این، وی تا زمان مرگش در سال ۱۸۸۶ میلادی در برلین، نگارش نه جلد از کتاب تاریخ جهان خود را به پایان رسانید (Iggers and Powell, 1990).

لئوپلد فن رانکه در پی فهم نظم سیاسی در چهارچوب بافت تاریخی زمانه اش بود. ما برای فهم پدیده های تاریخی از جمله یک نهاد یا اندیشه، باید بسط تاریخی و تغییرات آن را طی دوره زمانی آن پدیده، مورد مطالعه و بررسی قرار دهیم. به باور رانکه دوره های تاریخی را نباید بر اساس ارزش ها یا افکار امروزی از پیش تعیین شده مورد قضاوت و داوری قرار دهیم، بلکه باید بکوشیم آن ها را بر اساس شرایط تاریخی شان، همان گونه که واقعاً بوده اند، بفهمیم. رانکه در تاریخ بر فردیت<sup>۱</sup> و پیشرفت<sup>۲</sup> تأکید داشت. هر پدیده، رویداد و دوره تاریخی، ویژگی های خاص خود را داشت و وظیفه مورخ آن بود تا به ذات و جوهر آن ها پی ببرد. مورخان برای انجام این هدف، باید در آن دوره تاریخی غرق می شدند و با روشی متناسب با آن زمان به ارزیابی آن می پرداختند. به باور رانکه، مورخان نباید نظرات شخصی خویش را وارد تحلیل های تاریخی می کردند. رانکه در تحقیقات و پژوهش هایش پذیرفته بود که در تاریخ معنا و انسجامی وجود دارد و اینکه نهادهای سیاسی مستقر، تجسم نیروهای اخلاقی اند. افزون بر این، وی با تقلیل تاریخ به عنوان طرح و نقشه ای عظیم موافق نبود.

به باور رانکه، مورخ باید از جزء به کل می پرداخت نه عکس آن؛ در این صورت بود که راه فهم نیروهای قدرتمند اخلاقی در تاریخ گشوده می شد. رانکه در دانشگاه برلین، با استفاده از روش سمینار، مدلی را برای آموزش مورخان با شیوه های روشمند و انتقادی ارائه کرد که با استفاده از آن در سراسر جهان، تاریخ رشته ای حرفه ای شد. رانکه نقش مهمی در پیدایش رشته نوین تاریخ داشت و عموماً به عنوان پدر مکتب تاریخ «علمی» سده های نوزدهم و بیستم میلادی شناخته می شود. به واسطه تلاش های رانکه، مبانی روش شناختی تحقیقات مرتبط با آرشیوها و نقد منابع در مؤسسات دانشگاهی رایج گردید (Iggers and Powell, 1990)؛ اما اقدامات عملی رانکه در حوزه پژوهش های تاریخی چه معنایی داشت؟ رانکه پژوهش درباره موضوعات انتخابی اش را چگونه انجام می داد؟ رانکه از زمان نگارش نخستین آثارش، پژوهش درباره

---

1. Individuality  
2. Development

آرشیو و بایگانی را در سراسر عمرش به کار گرفت. رانکه در هر جا که حضور می‌یافت، رونوشت و یادداشت‌برداری می‌کرد و یا حتی به گردآوری اسناد دست‌آورد می‌پرداخت. وی در طول زندگی خویش، بیش از پنجاه‌هزار سند را جمع‌آوری کرد که امروزه در کتابخانه دولتی برلین، آلمان و کتابخانه دانشگاه سیراکوز آمریکا نگهداری می‌شوند. این بدان معنا نبود که رانکه از منابع دست‌دوم و فرعی استفاده نمی‌کرد. کتابخانه شخصی وی بیش از بیست‌وچهار هزار کتاب داشت که امروزه در دانشگاه سیراکوز نگهداری می‌شوند.

روش پژوهشی رانکه پاسخی به این مسئله بود که مورخان پیشین کتاب‌های پیش از خود را بدون تحقیقات آرشیوی و تحلیل انتقادی منابع، صرفاً رونویسی کرده بودند. درحالی‌که رانکه به شواهد عینی و هم‌زمان توجه داشت. به همین شیوه، رانکه کتاب‌هایی از جمله توطئه بر ضد ونیز<sup>۱</sup> (۱۶۱۸-۱۸۳۱) را منتشر کرد که در آن با تحلیل برهه‌ای خاص از تاریخ اروپا به بررسی انتقادی منابع پرداخته بود. رانکه از آنجایی که در نخستین اثر خویش به نقد منابع اصلی و فرعی پرداخته بود، از این رو می‌توان این کتاب را بهترین نمونه تحلیل انتقادی منابع توسط او به شمار آورد. رانکه در آن کتاب، گزارش شواهد عینی، اسناد و کتب مرتبط با توطئه را مورد بررسی قرار داده است. کتاب تاریخ ملل لاتین و توتونی<sup>۲</sup> (۱۸۲۴) و مقاله‌ای در مورد تاریخ دون کارلوس<sup>۳</sup> (۱۸۲۹b) از دیگر آثار پژوهشی مبتنی بر نظریه و روش پژوهشی رانکه‌اند. رانکه اگرچه در آثار بعدی، خیلی دقت پیشین را مراعات نمی‌کرد، با این حال روش پژوهشی وی تغییر نیافت.

به‌واسطه پژوهش من درباره رانکه و ارتباط وی با ایرلند، از آنجایی که همسر رانکه انگلیسی-ایرلندی بود، من به بررسی تاریخ انگلستان<sup>۴</sup> (۱۸۷۵؛ ۱۸۵۹-۱۸۶۸) اثر رانکه و چگونگی معرفی ایرلند در این اثر نیز پرداخته‌ام. برخلاف اکثر مورخان انگلیسی که از منابع گالیک<sup>۵</sup> استفاده نمی‌کردند، رانکه می‌کوشید تا در حد امکان از این منابع استفاده کند. رانکه پیوسته از بستگان خویش درخواست می‌کرد تا در آرشیوها جست‌وجو کرده و حتی منابع گالیک را برای وی ترجمه کنند (Boldt, 2007). سفر تحقیقاتی به انگلستان و ایرلند در سال ۱۸۶۵ میلادی، نمونه دیگری از تلاش‌های بی‌وقفه رانکه برای جست‌وجوی حقایق تاریخی بود. این سفر رانکه، چاپ

---

1. *Ueber die Verschwörung gegen Venedig*  
 2. *Geschichten der romanischen und germanischen Völker*  
 3. *Zur Geschichte des Don Carlos*  
 4. *A history of England principally in the Seventeenth Century*  
 5. Gaelic

ضمیمه کتاب تاریخ انگلستان وی را سه سال به تعویق انداخت، زیرا او دست‌نوشته‌های جدیدی را در مجموعهٔ سر توماس فیلیپ<sup>۱</sup> یافته بود (Boldt, 2007). افزون‌براین، دست‌نوشته‌هایی از قبیل دفترچه خاطرات یعقوبی<sup>۲</sup>، به ضمایم اضافه شدند. این دست‌نوشته‌ها و اسناد دیگر از جمله گزارش‌های کُنت لوزان<sup>۳</sup> به‌عنوان منابع چاپی دست‌اُول برای تاریخ ایرلند پراهمیت‌اند و رانکه به خاطر انتخاب و انتشار چنین منابعی شایستهٔ قدردانی است. این شیوه بیانگر آن است که در پژوهش‌های رانکه، منابع دست‌اُول حائز اهمیت بودند و منابعی که او یافته بود، اغلب اهمیت تاریخی فراوانی داشتند. کتاب تاریخ انگلستان، تنها اثر رانکه به این شیوه نبود، بلکه او در همهٔ آثارش از منابع متنوعی از جمله منابع دست‌اُول، منابع دست‌دوم و فرعی، منابع ادبی و حتی منابع شفاهی استفاده کرده است. کتاب تاریخ صربستان<sup>۴</sup> (1829a) اثر رانکه، نمونهٔ کاملی از تاریخ شفاهی و منبع شفاهی آن، اطلاعات ووک<sup>۵</sup> مورخ صربستانی بود. رانکه در این اثر، مصاحبه با ووک را همانند گزارش‌های نوشتاری مرسوم و منابع معتبر در نظر گرفته بود. استفادهٔ رانکه از اطلاعات ووک، به دلیل محدودیت‌های تحمیل‌شده از سوی نیروهای اشغالگر بود، زیرا تاریخ صربستان در اوایل سدهٔ نوزدهم میلادی صرفاً به‌صورت شفاهی می‌توانست آموزش داده شود. در نسخه‌های بعدی، رانکه از اشعار و ترانه‌ها نیز به‌عنوان منابعی برای تاریخ انقلاب صربستان استفاده کرد. ترجمهٔ انگلیسی این کتاب تا اوایل دههٔ ۱۹۹۰ میلادی، تنها اثر دربارهٔ تاریخ صربستان در دنیای انگلیسی‌زبان به شمار می‌رفت (Geiss, 2002).

به‌رغم آنکه بسیاری از محققان سدهٔ بیستم میلادی از جمله تئودور مومزن<sup>۶</sup> (1954) و رودلف وایرهاوس<sup>۷</sup> (1957)، رانکه را مورخی دانسته‌اند که صرفاً به تاریخ سیاسی و تاریخ قدرت‌های بزرگ می‌پرداخت، اما رانکه به تاریخ فرهنگی نیز توجه داشت. در بسیاری از آثار رانکه، ممکن است به‌صورت خلاصه به تاریخ فرهنگی پرداخته‌شده باشد، اما در موارد دیگر، او فصل کاملی را به تاریخ ادبیات اختصاص داده است. به‌عنوان مثال، رانکه در کتاب تاریخ انگلستان در فصل

---

1. Sir Thomas Philipps

2. The Jacobite Diary

3. Count Luzun

4. *Die Serbische Revolution. Aus Serbischen Papieren und Mittheilungen*

5. Wuk

6. Theodor Mommsen

7. Rudolf Vierhaus

کاملی حدود بیست صفحه به ادبیات دوره ملکه الیزابت اول پرداخته است (1859, I/588-606; 1875, I/450-64). او در مقاله هشتادوپنج صفحه‌ای دیگر از سال ۱۸۳۵ میلادی، صرفاً تاریخ ادبیات ایتالیا را بررسی کرده است.

رانکه اگرچه تأثیر سترگی بر تاریخ‌نویسی سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی گذاشت و بسیاری از آثارش به کتاب‌های شاخصی تبدیل شدند، اما روش‌ها و نظریه‌های وی بحث‌انگیز باقی ماندند. برای مثال در سال ۱۹۸۰ میلادی، ای جی دیکنز<sup>۱</sup> درباره رانکه به‌عنوان مورخ نهضت اصلاح دینی به تحقیق پرداخت. دیکنز پیش از بحث درباره کتاب تاریخ نهضت اصلاح دینی در آلمان و شورش دهقانی سال‌های ۱۵۲۵-۱۵۲۴، تعلقات شخصی رانکه در ارتباط با مذهب را مورد واکاوی قرار داده بود. دیکنز، رانکه را با مورخان دیگری مقایسه کرده و نشان داده بود که وی نیز آثار پیشین در زمینه نهضت اصلاح دینی را رونویسی کرده است. به باور دیکنز، جهت کلی پیشرفت نخستین رانکه، سخنان غیرواقعی بود تا بیان جان کلام. دیکنز معتقد بود که به تفصیل در مورد فلسفه تاریخ رانکه نوشته شده است، اما وی نمی‌تواند بپذیرد که رانکه دارای توانایی‌های خاص فکری و سزاوار چنین عناوین بزرگی بوده است (Dickens, 1980: 3).

در سال ۱۹۴۹ میلادی، هوفت و فوچز<sup>۲</sup> تعدادی از نامه‌های رانکه را تصحیح کردند (1949a; 1949b)، این تصحیح به خاطر روشنایی‌ای که بر زندگی خصوصی رانکه بازمی‌تاباند، موردستایش قرار گرفت. بسیاری از این نامه‌ها خلاصه شده و فوچز عضو سابق حزب ناسیونال سوسیالیست کارگران آلمان<sup>۳</sup> کوشید تا تصویری مذهبی از رانکه ارائه دهد که در اکثر نشریات آلمان پس از جنگ نیز ادامه یافت. در سال ۱۹۵۴ میلادی، نمونه دیگر تفسیر مذهبی از رانکه را هانس لیبه شوتس<sup>۴</sup> ارائه کرد، کسی که نه سعی در دفاع از رانکه داشت و نه در پی حمله به وی بود؛ بلکه در پی تفسیری عمدتاً مذهبی از رانکه بود که افکار سیاسی وی و نگارش تاریخی او را تحت تأثیر قرار داده بود (Liebeschutz, 1954: 2). از سوی دیگر، بیش از شصت سال پیش، امیل مایکل<sup>۵</sup> (Michael, 1980) در تحلیل انتقادی تاریخ جهانی رانکه، ثابت کرده بود که رانکه

---

1. A. G. Dickens  
2. Hoefft and Fuchs  
3. NSDAP  
4. Hans Liebeschutz  
5. Emil Michael

اصلاً فردی مذهبی نبوده است. با این حال، اسطورهٔ رانکهٔ مذهبی تا به امروز همچنان تداوم یافته است.

بسیاری از محققان بر این باورند که مورخ با ذهنیت مذهبی قادر به نگارش تاریخی بی طرفانه نخواهد بود و به سمت وسوی خاصی گرایش خواهد یافت. در سال ۱۹۷۵ میلادی هیدن وایت،<sup>۱</sup> روش‌های رانکه را مورد بررسی و مطالعه قرار داد و دریافت که تاریخ‌نگاری رانکه متأثر از تمایلات رمانتیک بوده است. وایت (White, 1975) بر این باور بود که تاریخ به‌طور کلی، در واقع شکلی از رمان‌نویسی است. وایت در آلمان تعدادی از علاقه‌مندان به تاریخ‌نگاری پُست‌مدرن را یافت که باور داشتند شیلر، شاعر آلمانی،<sup>۲</sup> نخستین مورخ جدید آلمان است نه رانکه. ویلهلم مومزن<sup>۳</sup> رویکرد کاملاً متفاوتی در پیش گرفت. وی نشان داد که چگونه رانکه از واژگان خاصی در آثارش استفاده کرده است. برای مثال واژهٔ ملت که صد و نود بار در کتاب تاریخ فرانسه<sup>۴</sup> استفاده شده بود. مومزن در پی آن بود تا تاریخ‌نگاری رانکه را با استفاده از به‌کارگیری واژگان خاص توسط رانکه و تلقی رانکه از طبقات اجتماعی بررسی و تبیین کند ( Mommsen, 1954: 95-111). مومزن و هیدن وایت بر این باور بودند که رانکه مورخی رومانیک بود. وایت از منظر پُست‌مدرن و مومزن، رانکه را به‌عنوان مورخی اجتماعی بررسی کرده بودند.

در سال ۱۹۹۸ میلادی، یافته‌های جدید ارائه‌شده از سوی زیگفرید باور،<sup>۵</sup> بیانگر بسط و گسترش روش تاریخی رانکه در سال‌های آغازین کار وی بود؛ اما باور، این اسطوره که رانکه به‌عنوان مورخ به دنیا آمده بود را درهم کوبید. از این رو، رانکه مانند هر شخص دیگری، باید می‌آموخت. آثار دیگر دربارهٔ رانکه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی به‌خصوص از سوی پاول و ایگرس در آمریکا پدید آمدند. بیشتر این آثار، چاپ کتابی درباره رانکه و شکل‌گیری رشته تاریخ بود (Iggers & Powell, 1990). ایگرس با قرار دادن رانکه در بافت سنت تاریخ‌نگاری آلمانی در بازتعریف تجربه‌گرایی رانکه‌ای و تحلیل فهم آرمان‌گرایانهٔ رانکه از تاریخ نقش مهمی داشت. ایگرس نشان داد که حقیقت، اساساً اجماع آن چیزی است که از سوی جامعهٔ علمی

---

1. Hayden White

2. The poet Schiller

3. Wilhelm Mommsen

4. *Französische Geschichte, vornehmlich im sechzehnten und siebzehnten Jahrhundert*

5. Siegfried Baur

پذیرفته‌شده است و استدلال کرد که تاریخ عینی را باید به‌صورت تاریخ فارغ از مقاصد سیاسی فهمید (Iggers & Powell, 1990: 173).

علی‌رغم پاره‌ای از مباحث درباره اهمیت تاریخی رانکه، در کل وی را ملی‌گرایی آلمانی و مورخی محافظه‌کار و پروتستانی دانسته‌اند که صرفاً تاریخ سیاسی و سلطنت‌طلبانه می‌نوشت. برای مثال می‌توان به آثار وی درباره دولت‌های پروس، آلمان، فرانسه و انگلستان اشاره کرد؛ اما این برداشت تا چه حد واقعیت دارد؟ در کتاب تاریخ انگلستان رانکه، تاریخ ایرلند اندکی متفاوت از تاریخ انگلستان یا اسکاتلند تلقی شده است. رانکه در این کتاب، چندین بار از کاتولیک‌های ایرلندی حمایت کرده است، به‌ویژه در ارتباط با یورش مردم به شهر دراهیدا<sup>۱</sup> در سال ۱۶۴۹ میلادی. جالب است توجه کنیم که محققان پیشین از نظر مذهبی بر ماهیت پروتستانی مذهب رانکه و همدلی دلسوزانه وی با نهضت پروتستان تأکید کرده‌اند ( Mommsen, 1957; Vierhaus, 1954). اگرچه در پاره‌ای از موارد در کتاب تاریخ انگلستان، حمایت رانکه از پروتستان‌ها برای مثال در واقعه پیروزی ملکه الیزابت اول بر نیروی دریایی اسپانیا ( Ranke, 1875: I/327; Ranke, 1859: I/433) آشکار و روشن است. باوجوداین، رانکه در نگارش تاریخ ایرلند نیز از ایرلند و آرمان کاتولیک پشتیبانی کرده است. این شواهد مؤید نظر رانکه در کتاب تاریخ صربستان است که «مردم ستم‌دیده نیز تاریخ خود را دارند» (1829a: 11). شاید همدردی رانکه با ستم‌دیدگان را با حمایت از آرمان‌های مذهبی خاصی اشتباه گرفته‌اند.

رانکه با رویکرد یکسان و بی‌طرفانه‌ای به تاریخ انگلستان و ایرلند نپرداخته بود، آن‌گونه که شاگردانش از بی‌طرفی وی در تاریخ‌نگاری سخن می‌گفتند. یقیناً رانکه بی‌طرف نبود، هنگامی که با خشونت، اقدامات کرامول را در یورش دراهیدا محکوم کرده بود:

چنین صحنه‌هایی حتی بر مبنای جانب‌داری نیز به‌سختی قابل توضیح‌اند. آیا کرامول که دستانش به خون بی‌گناهان آغشته بود، واقعاً تصور می‌کرد در حال اجرای عدالت خداوند برای مردمان است؟ آیا کرامول بر این باور بود که از سوی روح الهی متعالی برانگیخته شده است؟

(Ranke, 1859: III/347-8; Ranke, 1875: III/33).

باوجوداین، رانکه می‌کوشید بی‌طرفانه تاریخ بنویسد. از این‌رو، سعی می‌کرد، توضیح دهد که چرا ایرلند سده نوزدهم میلادی با اکثریت جمعیت کاتولیک، توسط اقلیت معدود پروتستان



اداره می‌شد. برخلاف مورخان انگلیسی از جمله مکاولی و فرود،<sup>۱</sup> رانکه از گذشته برای توجیه این وضعیت استفاده نمی‌کرد؛ بلکه در پی فهم این وضعیت با استفاده از گذشته بود. او هنگام نگارش تاریخ ایرلند تنها به نگارش تاریخ این کشور بسنده نکرد، بلکه تاریخ ایرلند را در بستر انگلیسی و اروپایی آن نیز بررسی می‌کرد. رانکه مورد انتقاد بسیاری از مورخان آلمانی بود که تاریخ ملی را بر رویکرد تاریخ‌نگاری فراملی رانکه ترجیح می‌دادند. رانکه غالباً به خاطر آنچه تاریخ فاتحان نامیده می‌شود، مورد انتقاد قرار می‌گرفت، اما نمونه ایرلند بیانگر آن است که اگرچه ممکن است ایرلندی‌ها در نبردهای اصلی سده هفدهم میلادی شکست خورده باشند، لیکن تلقی مثبت و خوش‌بینانه ایرلندی‌ها، برداشت از آن رویدادها را نسبی ساخته است. توجه به نقل مشهور رانکه «آن طور که واقعاً بوده است»، همچنین می‌تواند بیانگر این تفکر نیز باشد که هر بازنده‌ای در طول زمان می‌تواند برنده باشد و تنها زمان است که فاتح همیشگی خواهد بود. این نظر همچنین در کتاب تاریخ آلمان در دوره نهضت اصلاح دینی اثر رانکه نیز بیان شده است. هنگامی که رانکه درباره نزاع دائم میان معترفان نوشت که «پیروزی‌ها به سرعت به دست می‌آیند، لیکن تثبیت این پیروزی‌ها کار دشواری است» (1843: V/3).

رانکه فهم جالبی از «ملت» ایرلند داشت. محققان پیشین براین باور بودند که واژه ملت، صرفاً به معنای دولت جدا از مردم آن نبود (Mommsen, 1954; Vierhaus, 1957). رانکه در مورد ایرلند به صراحت بیان می‌کند که ملت، نه تنها به معنای مردم، بلکه به معنای وحدت دولت و کلیسای کاتولیک نیز بوده است. رانکه در مورد ایرلند برخلاف فهم هگلی «یک دولت-یک سرزمین-یک زبان»، به وحدت مردم ایرلند، سنت‌ها و مذهب کاتولیک‌شان و همچنین جزیره ایرلند با حدود و مرزهای طبیعی آن به‌عنوان یک ملت باور داشت. این تعریف متفاوت از ملت در برخی از تواریخ ملی نگاشته شده توسط رانکه بازتاب یافته است. رانکه در کتابی درباره جنگ‌های سی‌ساله در آلمان که در سال ۱۸۷۴ میلادی منتشر شده است، تعریف جدیدی از امپراتوری آلمان تحت سلطه بیسمارک ارائه کرده است: «آن قدر ساده نیست که ملتی بتواند به زبانی مشترک سخن گوید و سنت‌های مشابهی داشته باشد» (1874: 3).

رانکه تنها به نگارش تاریخ آلمان پرداخت، بلکه تاریخ شماری از دولت‌های اروپایی سده نوزدهم میلادی را نوشته است. تاریخ‌نگاری رانکه‌ای به آگاهی برخی از دولت‌ها از جمله ایرلند،

سربستان و آلمان درباره تاریخ کشورشان و بسط تعاملات بین‌المللی میان مورخان انجامید. این تعاملات متشکل از بسیاری از محققان اروپایی، جوامع، انجمن‌ها، مکاتبات شخصی، ارائه سخنرانی‌ها و تبادل نشریات بوده است. این تعاملات، گواهی بر تبادل اطلاعات میان محققان ساکن اروپا بود. رانکه تبادل آزاد اطلاعات را ترجیح می‌داد، زیرا در این صورت بسط و توسعه تاریخ تداوم می‌یافت.

مطالعه زندگی خصوصی رانکه، شخصیت بسیار پیچیده وی را آشکار می‌کند. وی همگام و سازگار با سنت‌های کهن و افزون براین، به همان اندازه فردی محافظه‌کار و یک انقلابی دانشگاهی بود. رانکه از انقلاب‌های خشونت‌آمیز هواداری نمی‌کرد، زیرا به ماهیت مُقَدَّر ساختارهای خدادادی باور داشت. این موضوع ارتباط کمی با مذهب داشت، در عوض بیشتر بیانگر آن بود که رانکه به دلیل آموزش دوره کودکی‌اش، شکل‌گیری تدریجی دولت‌ها و نظام‌ها را به‌طور طبیعی در طی زمان و برپایی موقعیت طبیعی‌شان در درون یک دولت ترجیح می‌داد (Boldt, 2007). این از جمله دلایلی است که چرا رانکه به‌ظاهر دیدگاه‌های متناقضی با تمایلات محافظه‌کارانه در مورد پاره‌ای از موضوعات داشت؛ به‌عنوان مثال مخالفت رانکه با انقلابیون، در حالی که درباره موضوعات دیگر دیدگاه‌های انقلابی‌تری داشت. رانکه همواره به زنان تحصیل‌کرده علاقه‌مند بود و همسرش افزون بر تحصیلات عالی در محیط آزادی تربیت یافته بود. با این حال، رانکه متأثر از جامعه‌ای پدرسالار بود که آزادی زنان را نمی‌پذیرفت (Boldt, 2007). همچنین این روشنگر آن است که چرا او رابطه خوبی با خاندان هوهنتسولرن<sup>۱</sup> پروس داشت. پادشاهان پروس در سال ۱۸۲۴ میلادی، رانکه را به دانشگاه برلین دعوت کردند و آرشیه‌های بسیاری را در سال‌های بعد در دسترس وی قرار دادند. بخش عمده‌ای از موفقیت‌های رانکه مدیون مساعدت‌های پادشاهان پروس بود. اگر درخواست‌های پادشاهان پروس برای نگارش تاریخ آلمان و پروس توسط رانکه نبود، وی وقت بیشتری به نگارش تواریخ ملی دیگر از جمله تاریخ روسیه اختصاص می‌داد که مشهور است به آن نیز علاقه‌مند بود (Boldt, 2007).

محققان بسیاری درباره رانکه نوشته‌اند و فهم وی از تاریخ را تحلیل و ارزیابی کرده‌اند. نمونه آن، بحث درباره مشهورترین عبارت رانکه است: «همان‌طور که واقعاً اتفاق افتاده است»<sup>۲</sup>.

---

1. Hohenzollern  
2. Wie es eigentlich gewesen

کتاب تاریخ ملل لاتین و توتونی عمدتاً به این خاطر شناخته شده است: «وظیفه داوری درباره گذشته و تعلیم در زمان حال برای سودمندی آینده به تاریخ سپرده شده است. این کتاب در پی برآوردن چنین وظایف خطیری نیست. بلکه می خواهد صرفاً نشان دهد، آنچه واقعاً اتفاق افتاده است» (Stern, 1973: 57)، ترجمه فریتس استرن).

مفهوم سخن رانکه از مطالعه گذشته «همان طور که واقعاً اتفاق افتاده است»، موضوع مجادلات فراوانی میان مورخان بوده است. پاره‌ای از نویسندگان این عبارت را به صورت «آنچه واقعاً اتفاق افتاده بود»<sup>۱</sup>، «آن گونه که در واقع بوده است»<sup>۲</sup>، یا «فقط گفتن آن که چگونه بوده است»<sup>۳</sup> ترجمه کرده اند و آن را به عنوان تأییدی بر تاریخ بی طرفانه فهمیده اند. رانکه مدعی بود که مورخان باید به واقعیت‌ها بپردازند و نباید دیدگاه‌ها و تعهداتشان در نوشته‌های آن‌ها تأثیرگذار باشد. تنها زمانی که مورخان هیچ نشانه و ردی از خودشان برجای نگذارند، آن وقت است که می‌توانند گذشته را احیا کنند. اغلب شارحان از جمله ایگرس استدلال کرده اند که چنین ترجمه‌ای دقیق نیست، زیرا مفهوم ایده‌الیستی رانکه از تاریخ را بیان نمی‌کند. ایگرس یادآور شده است که واژه "Eigentlich" نه تنها به معنای واقعاً، بلکه به معنای در اصل<sup>۴</sup> و یا مشخصاً نیز هست. از این رو، ایگرس ترجیح می‌دهد که عبارت مشهور رانکه را این گونه ترجمه کند: «{تاریخ} صرفاً می‌خواهد نشان دهد که در اصل چگونه اتفاق افتاده است» (Iggers, 1988: 67). ترجمه عبارت مشهور رانکه به زبان انگلیسی، پیچیدگی خاص خودش را دارد. به هر حال، روشن است که عبارت مشهور رانکه، قاعده آگاهانه‌ای است که معنای بسیار پیچیده‌ای دارد. واژه "Bloß"، بیانگر تواضع رانکه است در حالی که واژه "Eigentlich" به موضوعاتی از جمله حقیقت و هدفی والاتر اشاره داشت. ترجمه واژه "Happened" نیز به توصیف رویداد یا وضعیت و نه سیر تحول آن می‌پردازد. ترجمه معمول «در واقع چگونه بود»<sup>۵</sup> نیز بسیار خلاصه است و آنچه رانکه قصد گفتن آن را داشت، نمی‌رساند. من به عنوان ترجمه‌ای رساتر، این ترجمه را پیشنهاد می‌کنم «در واقع چگونه بوده اند»<sup>۶</sup>.

1. What actually happened
2. As it really was
3. Simply tell how it was
4. Essentially
5. characteristically
6. How it really was
7. How things really were

رانکه، نگارش تواریخ ملی را در بافتی اروپایی ترجیح می‌داد. به‌رغم انتقاد از نگارش تاریخ خشک و بی‌روح رانکه، وی تصویری از اروپای یکپارچه با الگوی مقدس امپراتوری روم را به‌تفصیل شرح می‌داد. این تصویر در همه آثار رانکه بازنمایی شده است و نه تنها قدرت‌های بزرگ‌تر انگلستان، اسپانیا، روسیه، فرانسه و آلمان، بلکه دولت‌ها و نهادهای کوچک‌تر از جمله بلژیک، صربستان یا کلیسای کاتولیک را نیز در برمی‌گرفت. تواریخ ملی همیشه در بافتی اروپایی جای گرفته بودند. با این رویکرد رانکه توانسته بود، نظام‌های سیاسی و مذهبی پیچیده اروپا را بررسی و تحلیل کند. رانکه در کتاب تاریخ پاپ‌ها توضیح داده است که: هیچ‌گاه در اروپای ما، میسر نبود که یک قدرت یا مفهوم ایدئولوژیک و یا مفهومی سیاسی بتواند به قدرتی مطلقه تبدیل شود» (Ranke, 1836: II/190). رانکه هنگامی که تاریخ فرانسه را بررسی می‌کرد به این نتیجه رسید که: «احتمالاً در سرشت ساز و کار امور اروپایی‌هاست که یک قدرت نوظهور که وسوسه آن را دارد که به یگانه قدرت زمانه تبدیل شود، همیشه ضد قدرت نیرومندی برابر خود می‌سازد» (Ranke, 1856: I/94).

آیا روش‌های رانکه هنوز معتبر و پذیرفتنی‌اند؟ من فکر می‌کنم روش‌های رانکه اغلب آن‌گونه که می‌خواهیم عملی نمی‌شوند. بنا به تجربه خودم، فکر می‌کنم باید به همه منابع در دسترس توجه کرد. برخی مواقع، از این طریق می‌توان منابع و اطلاعات جدیدی به دست آورد و پژوهشگر باید بینش محققانه‌ای را اختیار کند. پژوهشگر باید همه منابع را بپذیرد و هیچ منبعی را صرفاً به دلیل نامناسب بودن نادیده نگیرد. برای مثال در آلمان، استادی به من توصیه کرد که آرشیوی را به دلیل این که صرفاً حاوی نامه‌هایی متعلق به یک زن بود نادیده بگیرم. در حالی که آن مجموعه، شش صد نامه منتشر نشده کلاریسا<sup>۱</sup> همسر رانکه بود که ارزشمندترین یافته تحقیقات من گردید (Wiehe, Ranke-Museum).

در انتها به موضوع پایانی می‌رسیم، برداشت‌ها یا جانب‌داری‌های شخصی در نوشته‌های تاریخی چه جایگاهی دارند؟ پاسخ آن خیلی خلاصه خواهد بود، هیچ جایگاهی برای عقاید مورخ در نوشته‌های تاریخی وجود ندارد. اگر ما می‌خواهیم به عبارت معروف «در واقع چگونه بوده است»، جامعه عمل پیوشانیم، ما باید به بررسی و تحلیل آن دوره زمانی و چگونگی نگرش به مسائل در آن زمان بپردازیم. همچنان که رانکه در دهه ۱۸۴۰ میلادی در دفتر خاطراتش

نگاشته است، این سخن درستی است و نداوم خواهد یافت که: «تاریخ همیشه بازنویسی خواهد شد» (1964: I/241). تاریخ را نباید یک‌سویه نگریست. رانکه در سخنرانی‌هایش تحت عنوان نقطه عطف‌هایی در تاریخ مدرن یادآور شده است که «حقیقت، احتمالاً در میانه‌روی است» (1971: II/445). در سال ۲۰۰۱ میلادی باور به چنین برداشتی رسید که چگونه از چپ و راست به رانکه انتقاد می‌کردند و به این نتیجه رسید که: «هرکسی که از تاریخ برای برآوردن نیازهای ایدئولوژیک سوءاستفاده کند، هیچ‌گاه نمی‌تواند، تواریخ، دانش مبتنی بر تحلیل انتقادی منابع و فعالیت‌های مستقل رانکه را بپذیرد» (Baur, 2001: 14). تا آنجا که ممکن است، ما باید بکوشیم تحت تأثیر دیدگاه‌های امروزی یا افکار ایدئولوژیک قرار نگیریم. باوجوداین، اگر آنچه رانکه می‌گفت را بپذیریم، ما در حقیقت محصول برهه تاریخی‌ای هستیم که در آن زندگی می‌کنیم.

رویکرد تاریخی رانکه بسیار متفاوت از معاصرینش بود. وی نه پیرو جنبش رومان‌تیک بود و نه تاریخ تقدیرگرایانه نوشت. افزون‌براین، رانکه با تفکرات داروین‌سیسم اجتماعی نیز موافق نبود. وی از سنت قاره‌ای عقل‌گرایی و واقع‌گرایی پیروی می‌کرد. این احتمالاً دلیلی است برای اینکه چرا رانکه از یک‌سو بسیار مورد احترام است و از سوی دیگر به شدت مورد انتقاد قرار می‌گیرد. من کاملاً با روش‌های پژوهش رانکه موافقم، حتی اگر وی نتوانسته باشد نهایت مقصود خویش را از عینیت در آثارش حفظ کرده باشد. جدا از اینکه چه نوع تاریخی را مطالعه می‌کنیم، قطعاً روش‌های رانکه هنوز هم مهم و معتبرند.

## منابع و مآخذ

### منابع اصلی

- Ranke, Leopold von, 1824, *Geschichten der romanischen und germanischen Völker von 1494 bis 1535*, Leipzig: Reimer.
- Ranke, Leopold von, 1829a, *Die Serbische Revolution. Aus Serbischen Papieren und Mittheilungen*. Hamburg: Friedrich Perthes.
- Ranke, Leopold von, 1829b, „Zur Geschichte des Don Carlos“, *Jahrbücher der Literatur* 46. 227-66.
- Ranke, Leopold von, 1831, *Ueber die Verschwörung gegen Venedig, im Jahre 1618. Mit Urkunden aus dem Venizianischen Archive*, Berlin: Duncker und Humblot.
- Ranke, Leopold von, 1835, „Zur Geschichte der italiensichen Poesie“, *Abhandlungen der Königlichen Preußischen Akademie der Wissenschaften zu Berlin*, Berlin: Duncker und Humblot, 401-85.

- Ranke, Leopold von. 1836. *Die Römischen Päpste, ihre Kirche und ihr Staat im sechzehnten und siebzehnten Jahrhundert*. vol. 2. Berlin: Duncker und Humblot.
- Ranke, Leopold von, 1843, *Deutsche Geschichte im Zeitalter der Reformation*, vol. 5, Berlin: Duncker und Humblot.
- Ranke, Leopold von, 1856, *Französische Geschichte, vornehmlich im sechzehnten und siebzehnten Jahrhundert*, vol. 1, Stuttgart: Cotta'scher Verlag.
- Ranke, Leopold von, 1859-68, *Englische Geschichte, vornehmlich im 17. Jahrhundert*. 9 vols., Berlin: Duncker und Humblot.
- Ranke, Leopold von, 1874, *Zur deutschen Geschichte. Vom Religionsfrieden bis zum dreißigjährigen Krieg*, Leipzig: Duncker und Humblot.
- Ranke, Leopold von, 1875, *A history of England principally in the Seventeenth Century*, 6 vols., Oxford: Clarendon Press.
- Ranke, Leopold von, 1949a, *Neue Briefe*, Ed. B. Hoefl, Hamburg: Hoffmann und Campe.
- Ranke, Leopold von, 1949b, *Das Briefwerk*, Ed. W.P. Fuchs, Hamburg: Hoffmann und Campe.
- Ranke, Leopold von, 1964, *Aus Werk und Nachlaß – Tagebücher*, vol.1, Munich: Oldenbourg Verlag.
- Ranke, Leopold von, 1971, *Aus Werk und Nachlaß – Über die Epochen der Neueren Geschichte*. vol. 2, Munich: Oldenbourg Verlag.
- Staatsbibliothek zu Berlin, Preußischer Kulturbesitz, 'Nachlaß Leopold von Ranke'.
- Syracuse University Library, Department of Special Collections, 'Leopold von Ranke's and Clara Graves Ranke's personal and family papers'.
- Wiehe, Ranke-Museum, Collection of Manuscripts of the Ranke families.

## منابع فرعی

- Baur, S., 1998, *Versuch über die Historik des jungen Ranke*, Berlin: Duncker und Humblot.
- Baur, S., 2001, „Franz Leopold Ranke, the Ranke Library at Syracuse, and the open future of scientific history”, *Syracuse University Library Associates Courier* 33. Syracuse, 7-41.
- Boldt, A., 2007, *The role of Ireland in the life of Leopold von Ranke (1795-1886): The historian and historical truth*, Lampeter: The Edwin Mellen Press.
- Dickens, A.G., 1980, *Ranke as Reformation historian*, Reading: University of Reading.
- Geiss, I., 2002, Personal Communication, 8 March.
- Iggers, G.G., 1988, *The German conception of history*, Hanover: Wesleyan University Press.
- Iggers, G.G. and J.M. Powell, 1990, *Leopold von Ranke and the shaping of the historical discipline*, Syracuse: Syracuse University Press.
- Liebeschütz, H., 1954, *Ranke*, London: George Philip & Son.
- Michael, E., 1980, *Ranke's Weltgeschichte*, Paderborn.
- Mommsen, W., 1954, *Stein, Ranke, Bismarck*, Munich: Bruckmann Verlag.

Stern, F., 1973, *The varieties of history from Voltaire to the Present*, New York: Vintage.

Vierhaus, R., 1957, *Ranke und die soziale Welt*, Munster: Aschendorff Verlag.

White, H., 1975, *Metahistory*, Baltimore: Johns Hopkins University Press.

